

دریچه

گلوگاه کرونا، کانون‌های ابتلا

جفری کلاوسن* مترجم: نیما فاتح

● چرا اپیدمی‌های کووید۱۹ در چین، ایتالیا و آمریکا عمدتا از بین رفتند؛ اما در دیگر نقاط دنیا شعله‌ور شدند؟

یک توضیح این است: در مکان‌های اولیه اپیدمی‌ها دیگر افراد جدید چندانی نمانده بود که به ویروس مبتلا شوند. از این حیث، افراد هر اجتماعی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: آنهایی که در مرحله ابتلای فعال هستند، آنهایی که قبلا مبتلا شده‌اند و در برابر ابتلای مجدد ایمن‌اند، آنهایی که به سبب ابتلای پیشینی به یک کروناویروس مرتبط در برابر کروناویروس جدید ایمن هستند و در نهایت کسانی که در برابر ویروس آسیب‌پذیرند. مبنای مفهوم «ایمنی جمعی» این است: اگر در یک اجتماع تعداد افرادی که به سبب ابتلای قبلی یا تزریق واکسن به ایمنی رسیده‌اند به اندازه کافی برسد، آن‌گاه احتمال آنکه فرد مبتلایی ویروس را به فرد آسیب‌پذیری منتقل کند و به این طریق انتقال ویروس تداوم یابد، بسیار کم می‌شود. ولی چطور می‌توانیم این فهم از نحوه گسترش ویروس را در براسه چین، ایتالیا و نیویورک به کار ببندیم؟ در این سه نمونه، اپیدمی فروکش کرد درحالی‌که تعداد مبتلایان به آن اندازه کافی که معمولا حذاب پذیرفته‌شده ایمنی جمعی دانسته می‌شود، نرسید.

یک پاسخ ممکن این است: نحوه و الگوی تعامل افراد با یکدیگر تصادفی نیست و بنابراین غفونت به شکل یکسانی در بین جامعه بزرگ‌تر گسترش نمی‌یابد. ما شاهد بوده‌ایم که در بیشتر اپیدمی‌های کووید۱۹، برخی مکان‌ها و گروه‌ها بیش از بقیه مبتلا شده‌اند. در میان گروه‌های به لحاظ جمعیتی شدیدا فشرده و مترکب، طبیعتا میزان تماس‌های شخص‌به‌شخص افراد یا در معرض ویروس قرارگرفتن آنها خیلی بیشتر از میزان آن در کل جمعیت است. زمانی که میزان ابتلا (و در نتیجه میزان مصونیت) در آن زیرگروه‌ها به اندازه کافی بالااست، بنابراین احتمال کمتری وجود دارد که افراد خارج از این زیرگروه‌ها مبتلا شوند و در نتیجه بیماری در نهایت ناپدید می‌شود. این الگوی تماس‌های غیرتصادفی با آنچه اپیدمی‌شناس‌ها «نظریه کانونسی» می‌نامند، همخوانی دارد. نظریه هسته از حدود دهه ۱۹۷۰ وجود داشته است و نخستین‌بار برای توضیح این مسئله از آن استفاده شد که غفونت‌های منتقل‌شده از طریق رابطه جنسی (STI) چطور می‌توانند به گسترش خود ادامه دهند؛ درحالی‌که



بیشتر افراد فقط یک یا دو شریک جنسی دارند. اگر فرد الف دو شریک جنسی داشته باشد و از سوی شریک شماره یک مبتلا شود، با توجه به اینکه احتمال سرایت بیماری‌های مقاربتی هم فقط ۵۰ درصد است، بنابراین ۵۰ درصد احتمال دارد که فرد الف غفونت را به شریک شماره دو منتقل کند. به مرور زمان، اگر این الگو از نو تکرار شود، گسترش STI باید کم شود و در نهایت از میان برود؛ ولی این چیزی نیست که در عمل رخ می‌دهد؛ در واقع STI‌ها همچنان مشکل ایجاد می‌کنند و موجب بیماری می‌شوند.

دلیل آن، این است که نسبت کوچکی از جمعیت که گروه کانونی نامیده می‌شود، خیلی بیشتر از یک یا دو شریک جنسی دارند. افراد گروه کانونی سالانه چه‌بسا پنج یا ۱۰ شریک جنسی (یا بیشتر) داشته باشند و به این طریق موجب استمرار گسترش STI‌ها در درون گروه کوچگ‌تری از جمعیت شوند. افراد گروه اخیر هم شرکای جنسی بیشتری در قیاس با کل جمعیت دارند. گاهی فردی از جمعیت بزرگ‌تر با فردی از گروه کانونی رابطه دارد و از این طریق مبتلا می‌شود، ولی آنها به‌ندرت ویروس را به دیگران سرایت می‌دهند. گروه کانونی مثل آتش‌سوزی در مرکز یک ساختمان است که موجب افزایش حرارت کل سازه می‌شود؛ اگر بتوانیم آتش مرکزی را مهار یا خاموش کنیم، کل ساختمان خنک می‌شود.

در گسترش کووید۱۹ نیز همین اتفاق رخ می‌دهد. در اینجا هم گروه‌های کانونی‌ای داریم که متشکل از افرادی هستند که به سبب حرفه یا شرایط زندگی‌شان، میزان تماس‌های شخص‌به‌شخص آنها از کل جمعیت بسیار بالاتر است. افراد این گروه‌ها ممکن است شامل کارگران شاغل در محیط‌های بسته و بدتهویه، اعضای خانوارهای پرجمعیت، افراد محبوس یا افراد تحت مراقبت‌های طولانی‌مدت باشند. حُسن این نظریه این است: وقتی گروه‌هایی که تماس‌های نزدیک بیشتری دارند به ایمنی جمعی برسند، چه از طریق ابتلا و چه با تزریق واکسن، توانایی ویروس برای استمراربخشیدن به یک اپیدمی در بین جمعیت بزرگ‌تر کاهش می‌یابد و این‌سر انجام خاموش می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱

شه‌رزاد همتی: در هفته‌های گذشته، دوباره موجی از افشاکری و روایت درباره آزار و تجاوز، فضای مجازی و در صدر آن توئیتر را فرا گرفته. زنان و مردانی که درباره آزارهای جنسی که تجربه کرده‌اند، نوشته‌اند. در این میان نام چند فرد مشهور هم به میان آمد. از یک معلم برجسته کنکور تا مدرس یک مدرسه آزاد هنری و یک بازیگر تئاتر. البته در ادامه برخی از اکانت‌هایی که روایت آزار از سوی معلم را نوشته بودند، چند ساعت بعد از انتشار روایت‌شان مجبور شدند با لحنی دیکته‌شده معذرت‌خواهی و سپس اکانت خود را پاک کنند. اما به‌هرحال این اکانت‌ها شروعی برای صحبت‌کردن دوباره درباره تجاوز بودند. از طرف دیگر حمایت‌ها از کسانی که خود را قربانی تجاوز معرفی می‌کنند، تحسین‌برانگیز به نظر می‌رسد و می‌تواند نشان‌دهنده شروعی برای زنانی باشد که قربانی تجاوز شده‌اند و بنا بر دلایل متعددی که در رأس آن عوامل فرهنگی است، ترجیح داده‌اند سکوت اختیار کرده و رنج آزاری را که دیده‌اند، به‌تنهایی حمل کنند. اما مسئله اینجاست که آیا می‌شود هر روایتی را تأیید کرد؟ در کشوری شبیه به ایران که مسائل اخلاقی به‌شدت با زندگی روزمره افراد گره خورده است، چگونه می‌توان از انگشت‌انهایی که به سوی متهم دراز شده اطمینان پیدا کرد. نگارنده این گزارش در شرایطی این گزارش را می‌نویسد که چند نفر از دانش‌آموزان یکی از مدارس در گفت‌وگویی رودررو، صحت ادعاهای منتشرشده در فضای مجازی را تأیید کرده‌اند. می‌گویند اگر خانواده‌شان از این ماجرا مطلع شوند، ممکن است مدت زیادی زنده نمانند. یکی از آنها که هم‌اکنون دانشجوی رشته پزشکی است روایتی دردناک دارد، دانش‌آموز دیگری که به دلیل فشارهای ناشی از این ماجرا عطای درس‌خواندن را به لقایش بخشیده می‌گوید در کلاس خصوصی و در منزل این رابطه را تجربه کرده، چراکه مورد لطف معلم و ابراز عشق او قرار گرفته و با باور این ماجرا تن به رابطه با او داده، اما تنها پس از یک ماه، معلم دیگر پاسخ تلفن‌های او را نداده و حتی خط تلفن دانش‌آموزش را مسدود می‌کند و در مدرسه نیز با او صحبت نمی‌کند. مسئله‌ای که نمی‌تواند مورد تأیید یا تکذیب روزنامه «شرق» قرار بگیرد. با وجود همه اینها چقدر می‌توان در صحت این ادعاها از دانش‌آموزان تردید کرد؟ مرز تأیید و تکذیب این روایت‌ها چجاست؟ دانش‌آموزان یک مدرسه می‌گویند حالا صفحه‌ای قدیمی در اینستاگرام را راه‌اندازی کرده‌اند و از دانش‌آموزان می‌خواهند روایت‌های‌شان از آزارها را برای‌شان بفرستند. به گفته آنها بعد از فعالیت این صفحه، آنها مورد تهدید جدی از نسوی متهمان قرار گرفته‌اند. همه اینها باعث شد به سراغ سعید مدنی، جامعه‌شناس برویم که مطالعات گسترده‌ای در این خصوص دارد. از سعید مدنی درباره مسائل قانونی درخصوص تجاوز، وجهه اجتماعی این حادثه و همچنین جنبش اخیر در فضای مجازی پرسیده‌ایم. مشروح این مصاحبه به شرح زیر است.

چقدر مقوله تجاوز در ایران با دیگر کشورها متفاوت است؟

این تفاوت را می‌شود از زوایای مختلفی مورد بحث قرار داد. اول اینکه تجاوز عموما دارای دو عنصر است، اول خواسته‌جنسی کاملا نامشروع و دوم سلب اراده قربانی. بنابراین هر تجاوز جنسی دو عنصر نامشروع‌بودن و اکراه و زور را دارد و این‌اکراه و زور مهم‌ترین عنصری است که تجاوز را از دیگر جرائم جنسی تفکیک می‌کند. در قوانین ایران هر نوع رابطه غیرمشروع، به نوعی زنا تلقی شده و شامل مجازات است. زنا عبارت از رابطه جنسی غیرشرعی بین مرد و زن است. این جرم جزء جرائم حدی است. زنا وقتی محقق می‌شود که این رابطه جنسی به طور کامل برقرار شود. بنابراین دیگر روابط جنسی مثل معاشقه در زمره زنا قرار نمی‌گیرد. مجازات زنا هم مشخص است: تازیانه، رجم، تراشیدن سر و تبعید و در نهایت اعدام.

در قانون مجازات اسلامی نوع خاصی از زنا، یعنی زنا به‌عنف مشابه و نزدیک به مفهوم تجاوز است. بنابراین می‌شود زنا به‌عنف را به‌نوعی معادل تجاوز قرار داد.

بند دال ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی برای زنای به‌عنف حکم اعدام آورده است. در برقراری این رابطه اکراه مطرح است و کسی که مورد زنا قرار می‌گیرد هم مطرح است. البته یکی از مشکلات در همین‌جاست که تنها رابطه جنسی کامل را معادل زنا در نظر می‌گیرد و بنابراین سایر اشکال سوءاستفاده جنسی از دایره موضوع زنا به‌عنف خارج می‌شوند در حالی که می‌دانیم موارد سوءاستفاده جنسی به‌زور بسیار متنوع‌تر است و اتفاقا آن موارد بیشتر رخ می‌دهد.

اما در اغلب کشورهای غربی هر عمل مقاربت جنسی باید ناشی از رضایت طرفین باشد و زمانی که عنصر رضایت وجود دارد، در بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شود و تنها زمانی رابطه جنسی جنبه جرم دارد که در آن غف و اکراه دخیل باشد. این غف و اکراه را معادل تجاوز قلمداد می‌کنند و نشانه آن فقدان رضایت برده‌یده و قربانی تجاوز است. در قانون مصوب سال ۲۰۰۳ جرائم جنسی انگلستان، این وضعیت و این جرم به‌وضوح توضیح داده شده و گفته شده زمانی که در رابطه جنسی مرد به نحوی تجاوز را انجام دهد که شخصی مورد تجاوز قرار گرفته و رضایت نداشته باشد و تجاوز باور نداشته باشد که زن رضایت دارد، در این حالت جرم تجاوز به‌عنف رخ داده و مجازات شدید برایش در نظر گرفته شده است.

بنابراین از جهت حقوقی، در تعریف تجاوز بین ایران و اروپا تفاوت مشخصی وجود دارد و مرز بین جرم‌بودن و نبودن رابطه جنسی در اروپا رضایت است (به‌جز مواردی که زیر سن قانونی است) اما در ایران هر رابطه‌ای خارج از روابط خانوادگی جرم است.

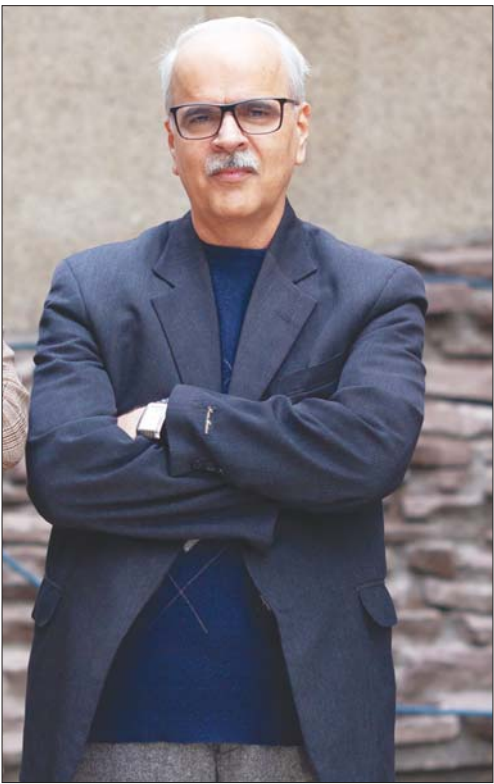
البته مسئله دیگری که از جهت حقوقی در قوانین ایران کمتر به آن توجه شده، تجاوز در روابط زناشویی است. مطابق قوانین ایران در روابط زناشویی مرد و زنی که همسر رسمی یکدیگر هستند، مرد دست برتری را دارد؛ در واقع پدیده‌ای به نام تجاوز در روابط زناشویی به رسمیت شناخته نشده است. تنها در موارد معدود زنی که بر اثر تجاوز همسر مورد آسیب جدی جسمی قرار بگیرد، می‌تواند شکایت کند. اما با درنظرگرفتن اصل تمکین اصولا تسلط در روابط زناشویی با مرد است، زن باید تسلیم مرد باشد. اما در کشورهای دیگر حتی در روابط زن و شوهر هم باید رضایت وجود داشته باشد.

از جهت شیوع تجاوز گزارش‌ها نشان می‌دهد در آمریکا ۱۲ تا ۱۵ درصد زنان در معرض تجاوز قرار می‌گیرند و در انگلستان این آمار حدود پنج تا ۱۹ درصد گزارش شده است.

در گزارشی اشاره شده که بیشترین آمار تجاوزها در ایران در استان تهران است و گفته شده سالانه حدود هزارو ۶۵۰ جرم جنسی در تهران اتفاق می‌افتد. خاطرنشان می‌کنم، برآورد شده که اصولا بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز به دلایل مختلف گزارش نمی‌شوند. البته تلقی من این است که آمار گزارش‌نشده در ایران بسیار بالاتر است به این دلیل که حمایت از قربانی تجاوز در قانون ایران حداقلی است و اصولا از نظر فرهنگی زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، مورد ظن و بدگمانی جامعه قرار دارند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند که پیامد تجاوز را تحمل کنند اما در معرض قضاوت عمومی قرار نگیرند، چراکه فکر می‌کنند در هر حال آنها محکوم می‌شوند. در قوانین جاری هم اثبات تجاوز و

جامعه

روایت سعید مدنی از تعرض‌های خاموش



عدم رضایت زن دشوار و در بسیاری موارد حتی ناممکن است. بنابراین احتمال اینکه با مطرح‌شدن یک دعوی حقوقی، زنان موفق شوند تجاوز را اثبات کنند، بسیار کم است؛ بنابراین هم از جهت اجتماعی و هم حقوقی انگیزه گزارش تجاوز پایین است. ضمن اینکه می‌دانیم دختری که اعلام کند مورد تجاوز قرار گرفته در تمام طول زندگی‌اش برچسب و انگ می‌خورد که امکان بازگشت به زندگی عادی را برای او خیلی سخت می‌کند.

در غرب به دلیل اینکه تا حد زیادی به این مشکل توجه شده است، تجاوزها اعلام می‌شوند و در مجموع حمایت جدی از زن قربانی می‌شود. بنابراین ما هیچ برآوردی از قربانیان تجاوز در ایران نداریم. اگر می‌بینیم موارد گزارش‌شده در کشورهای غربی قابل توجه است، دلایلش این است که زمینه اعلام تجاوز و پیگیری حقوقی آن فراهم بوده و از طرفی هم حمایت جدی از قربانی انجام می‌گیرد. بنابراین می‌شود گفت هیچ ارزیابی دقیقی از قربانیان تجاوز در کشور نداریم. حتی پزشکی‌قانونی هم به‌ندرت اطلاعاتی از کسانی که با پرونده تجاوز مراجعه می‌کنند منتشر می‌کند.

یعنی آمار مشخصی درباره سن قربانیان تجاوز در کشور نداریم؟

من به دو مطالعه درباره تجاوز در کشور اشاره می‌کنم. یکی

در گزارشی اشاره شده که بیشترین آمار تجاوزها در ایران در استان تهران است و گفته شده سالانه حدود هزارو ۶۵۰ جرم جنسی در تهران اتفاق می‌افتد. خاطرنشان می‌کنم برآورد شده که اصولا بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز به دلایل مختلف گزارش نمی‌شوند. البته تلقی من این است که آمار گزارش‌نشده در ایران بسیار بالاتر است به این دلیل که حمایت از قربانی تجاوز در قانون ایران حداقلی است

مطالعه‌ای که در سال ۹۰-۹۱ در استان کهگیلویهوبویوراحمد درباره پرونده‌های پزشکی قانونی انجام شده بود. در این گزارش میانکین سنی کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته بودند ۲۰ سال بود و قربانیان در محدوده سنی حداقل هفت تا ۲۸ سال قرار داشتند؛ بنابراین تجاوز در گروه‌های سنی کودکان و دخترچهارهه بیشتر از سایر سنین است.

مطالعه دیگری در سال ۹۴ در اصفهان انجام شد، میانکین سن قربانیان ۲۳ سال گزارش شده بود و از حدود ۱۷ تا ۲۸ سال را شامل می‌شد؛ بنابراین با تابلویی که از وضعیت تجاوز در ایران داریم، امکان مقایسه آن با خارج از کشور وجود ندارد، چراکه اطلاعات بسیار ناقص و محلی و مقطعی است و هرگونه مداخله برای بهبود این وضع و کنترل تجاوز لازم‌هش شاخت کامل و روشن از پدیده است.

پیامد تجاوز در ایران و اروپا متفاوت است؟

به طور قطع می‌توان گفت تفاوت جدی بین پیامدهای فردی تجاوز بین کشورهای غربی و ما وجود ندارد. زنان اصولا چون بخش غالب کسانی هستند که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، اغلب دچار پیامدهای جدی جسمی- روانی بعد از تجاوز می‌شوند. اغلب آنها دچار اختلال استرس پس از ضربه می‌شوند که پیامدهای روانی درازمدتی برای آنها ایجاد می‌کند و می‌تواند در زندگی زناشویی آینده‌شان هم تأثیر بگذارد. مطابق مطالعات، افسردگی اختلال جدی است که پس از تجاوز ایجاد می‌شود و با احساس یاس و ناراحتی و فقدان انگیزه و امید و کاهش سطح اعتمادبه‌نفس و بدبینی همراه است. این پیامدها همان‌قدر که برای زنان غربی ایجاد می‌شود برای زنان ایرانی هم مصداق دارد. بعضی اختلالات عصبی جسمانی نظیر اختلالات گوارشی و عضلانی از پیامدهای روشن تجاوز هستند که در ایران هم بروز آنها پس از تجاوز مورد تأیید قرار گرفته است. زنانی که مورد تجاوز واقع می‌شوند به طور متوسط ۳۰ درصدشان افسرده می‌شوند؛ این در حالی است که در میان دیگر زنان یعنی کسانی که سابقه تجاوز ندارند این آمار حدود ۱۰ درصد است.

همان‌طور که گفتم علاوه بر افسردگی، اختلالات دیگری مثل اضطراب، اختلال خواب و حتی گرایش به خودکشی در زناتی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند بالااست. آنها عموما عصبی هستند، اضطراب مزمن دارند، علانی مظهر ترس، بی‌پناهی، شوک، احساس حقارت و

خجالت و حتی ملامت در آنها وجود دارد، این اختلال‌ها در زنان همه کشورها مشترک است؛ بنابراین با توجه به تفاوت جدی بین نگاه حقوقی به تجاوز در ایران و کشورهای غربی یا حتی نوع تعریف آن، به طور کلی می‌شود گفت پیامد و آثار آن برای زنان و دختران قابل توجه و درازمدت است.

ک همه‌ساله صحبت‌ها و روایت‌هایی درباره تعرض و آزار جنسی در مدارس مطرح می‌شود. این مسئله مدارس دخترانه و پسرانه هم ندارد. دلیل این اتفاق چیست؟

اگرچه ما گزارش جامعی درباره میزان آزار در بین کودکان به‌ویژه آزار جنسی نداریم، اما در یک ارزیابی که من از مطالعات مختلف انجام دادم و در کتاب خشونت علیه کودکان در ایران آمده، می‌شود به نکاتی دست پیدا کرد؛ شایع‌ترین سن وقوع آزار جنسی در دختران و پسران متفاوت است. بادمان باشد چون جمعیت زیر ۱۸ سال هنوز به هوشیاری و آگاهی برای ورود به رابطه جنسی نرسیده‌اند، بنابراین هر نوع رابطه جنسی با کودکان را می‌شود تجاوز قلمداد کرد. اغلب تجاوز به وسیله افراد بزرگسال و با تهدید و زور انجام می‌شود. بیشترین دختران آزرادیده جنسی بین سنین ۱۰ تا ۱۵ سال بوده‌اند؛ یعنی در ابتدای سنین بلوغ و پیامدهای این آزار برای دختران بسیار جدی است. البته در بین پسران هم گزارش‌هایی از آزار جنسی وجود دارد و بین سنین شش تا ۱۰ سال بیشترین آمار تجاوز در پسران اتفاق می‌افتد. به این ترتیب می‌شود گفت که دامنه شیوع آزار و تجاوز جنسی در میان چپه‌ها هم قابل توجه است. متأسفانه ما مطالعات مستقل و جامع در این زمینه نداریم؛ ولی برخی شواهد نشان می‌دهد که وقوع آزار جنسی یا تجاوز توسط بزرگسالان و قربانی‌شدن کودکان کم نیست و موضوع قابل توجهی در مطالعاتی که در برخی مدارس و بین دانش‌آموزان انجام شده، گزارش‌هایی منتشر شده که وقوع آزار جنسی را در مواردی خیلی بالا و قابل توجه گزارش می‌کند. یکی از آثار و پیامدهای آزار جنسی بر کودکان قربانی، افت تحصیلی است.

دلیل افزایش تجاوز در کشورها چیست؟

این آسیب دلالی و عوامل گسترده‌ای دارد و از سطح کلان تا سطوح خرد می‌تواند در امر تجاوز دخیل باشد. اثر وضعیت اقتصادی بر کاهش امکان ازدواج و عدم امکان برقراری رابطه جنسی از طرق متعارف در سطح کلان، تا سطوح خرد یعنی وجود اختلال روان در افرادی که کودکان را آزار می‌دهند. به طور مشخص در این زمینه باید گفت افرادی که از جهت روانی مشکلات عاطفی و خانوادگی دارند یا خودشان در کودکی مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند، می‌توانند در ردیف تجاوزکنندگان قرار گیرند.

آیا محیط‌های خاص هم مستعد افزایش تجاوز هستند؟

به طور قطع پاسخ مثبت است. در برخی مناطق مثل حاشیه شهرها و مناطقی که بزه زاندر است و هنجارهای اجتماعی در بین گروه‌های سنی جوانان متناسب با هنجارهای عمومی نیست، وقوع تجاوز می‌تواند حتی امری مطلوب محسوب شود و طبیعتا می‌تواند تمایل به آزار جنسی را فراهم کند. نکته اصلی این است که در اغلب موارد به‌ویژه در این مناطق به‌خصوص درباره کودکان تجاوز گزارش نمی‌شود، چراکه آزار جنسی در کودکان اغلب توسط نزدیکان انجام می‌شود و مطرح‌شدن و پیگیری آن منجر به تعارضات جدی بین اعضای خانواده و متلاشی‌شدن خانواده می‌شود. به‌علاوه اینکه در مجموع حمایت کافی از کودکان نمی‌شود.

آیا در کشوری مثل ایران که به قول شما تشخیص تجاوز امری پیچیده است، باید از ایجاد جنبش‌هایی که با نام‌بردن از افراد متجاوز اتفاق می‌افتد، حمایت صرف کرد؟ چقدر می‌توان مطمئن بود که نام‌بردن از این افراد دلایلش خصومت نیست؟

پاسخ خیلی دشوار است. تشخیص اینکه افراد مورد تجاوز قرارگرفته درباره تجاوز در رسانه‌ها صحبت کنند تا حد زیادی انتخابی فردی است، زیرا گزارش عمومی آن می‌تواند تمام زندگی او را تحت تأثیر قرار دهد. به‌ویژه کسانی که در ایران زندگی می‌کنند، در صورت اعلام همگانی اتفاقی که برای‌شان افتاده، با شرایط بسیار دشوارتری در مقایسه با ساکنان کشورهای غربی مواجه می‌شوند. از این جهت تصمیم دشواری است و هرکس متناسب با شرایط خاص خودش باید واکنش نشان دهد. البته احتمال خطا و سوءاستفاده را هم نباید نادیده گرفت؛ بنابراین تا زمانی که این ادعاها از طریق مراجع قابل قبولی تأیید نشوند، انتساب اتهام تجاوز به یک نفر از نمی‌شود تأیید کرد. اینکه هر خانمی ادعا کند که از طرف فردی خاص مورد تجاوز واقع شده، به واکاوی جدی نیاز دارد و نمی‌توان به صورت قطعی آن را پذیرفت یا رد کرد. ضمن اینکه در اصل واکنش و برخورد با متجاوز تردیدی وجود ندارد، یعنی اینکه به‌هرحال نسبت به کسانی که سوءاستفاده می‌کنند و با سوءاستفاده از موقعیت، مقام، قدرت یا پول به خانمی تجاوز می‌کنند، تردیدی وجود ندارد که باید واکنش نشان داد، اما فکر می‌کنم که پیش از علنی‌کردن آن با اطلاع‌رسانی عمومی، با وجود همه نقایض حقوقی، در وهله اول باید از طریق مراجع قضائی موضوع پیگیری شود تا با استنادات بیشتری رسانه‌ای شود، زیرا در غیر این صورت اساسا خواست و اراده از علنی‌شدن موارد تجاوز یعنی پیگیری از موارد بعدی به حاشیه می‌رود.

مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)



وزارت جهاد کشاورزی

معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی

وزارت جهاد کشاورزی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir برگزار نماید.

الف – موضوع مناقصه :

واردات و خرید تخم نوغان هیبرید (بهار) به تعداد ۳۶۰۰۰ جعبه از کشور چین (مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۰۰۰/۰۰۰/۱/۲۵۰ ریال)

ب – تاریخ، مهلت و محل دریافت اسناد:

اسناد و اوراق شرایط مناقصه از ساعت ۹ مورخ ۹۹/۵/۲۶ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۹۹/۵/۳۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) توزیع می گردد.

ج – تاریخ، مهلت و محل تحویل اسناد:

آخرین مهلت تحویل و تسلیم اسناد و اوراق شرایط مناقصه ساعت ۱۴ مورخ ۹۹/۶/۱۰ می باشد و تامین کنندگان متقاضی می بایست فایل اسناد مناقصه را در مهلت مقرر ابتدا در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت منعکس و همزمان پاکت الف (فیزیک ضمانتنامه) را به آدرس تهران، خیابان طالقانی، نرسیده به پل حافظ، وزارت جهادکشاورزی، (ساختمان ۸ طبقه)، طبقه اول، اتاق ۱۰۸ (دبیرخانه کمیسیون معاملات) تحویل نمایند. شماره تماس ۴۳۵۴۴۶۶

● هزینه چاپ آگهی فوق به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

م الف ۱۶۲۱ وزارت جهادکشاورزی

خبر

«اجاره‌دادن کودکان» برای کار در خیابان

● **تسним:** معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: تعدادی از کودکان توسط خانواده‌های خود به افراد سودجو برای کسب درآمد در معابر و خیابان‌ها اجاره داده می‌شوند! قطعا این موارد، کودک‌آزاری است و تخلف محسوب می‌شود. حبیب‌الله مسعودی‌فرید با اشاره به طرح جمع‌آوری و ساماندهی کودکان کار و خیابانی اظهار کرد: در این طرح ما بنا نداریم به صورت ضربتی عمل کنیم چراکه هدف از اجرای این طرح، ساماندهی این افراد براساس طرح‌های علمی و کارشناسی شده است. او تصریح کرد: هم‌اکنون این طرح در شهر تهران آغاز شده است و به‌زودی در سایر استان‌ها اجرا خواهد شد؛ ضمن اینکه مبنای این طرح این است که کودکان شاسایی‌شده در معابر و خیابان‌ها به خانواده‌ها ارجاع داده شوند. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به سپردن این کودکان به خانواده‌های‌شان پس از طی‌کردن فرایند مددکاری متذکر شد: در صورتی که خانواده صلاحیت پذیرش فرزند خود را نداشته باشد با حکم مراجع قضائی، کودک به مراکز سازمان بهزیستی سپرده خواهد شد. فرید تصریح کرد: براساس گزارش‌های مددکاران و پیگیری‌های انجام‌شده، تعدادی از کودکان توسط خانواده‌های خود به افراد سودجو برای کسب درآمد در معابر و خیابان‌ها اجاره و کرایه داده می‌شوند! قطعا این موارد کودک‌آزاری است و تخلف محسوب می‌شود و سازمان بهزیستی از طریق مراجع قضائی با این افراد برخورد خواهد کرد.

۲ توصیه پلیس آگاهی برای جلوگیری از سرقت گوشی

● **شرق:** رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی ناجا برای جلوگیری از سرقت گوشی همراه توصیه‌هایی به شهروندان ارائه کرد. سرهنگ شهاب امینی اظهار کرد: سرقت به شیوه قاپیدن یکی از شگردهای سارقان است که در این اقدام مجرمانه، افرادی که سرگرم مکالمات تلفنی و فعالیت در فضای مجازی بوده و اغلب تمرکز کمی بر محیط اطراف دارند، ممکن است طعمه سارقان شوند. او با بیان اینکه استفاده از وسایل کمکی مثل «هندزفری» در زمان برقراری ارتباط تلفنی عملا تمرکز افراد را بر اطراف بیشتر می‌کند، تصریح کرد: شهروندان بهتر است هنگام تردد در معابر و مکان‌های شلوغ از محیط اطراف خود غافل نشده و ترتیبی اتخاذ کنند تا امکان رؤیت گوشی و نوع آن توسط سارقان به حداقل برسد.

تنها نقطه سبز کشور زرد شد

● سخنگوی وزارت بهداشت موارد ابتلا و فوتی ناشی از کووید۱۹ در کشور در ۲۴ ساعت گذشته را اعلام کرد و گفت: تنها نقطه سبز کشور و بدون بیماری کرونا در جزیره ابوموسی بود که متأسفانه در هفته گذشته به نقطه زرد یعنی با خطر متوسط بیماری تبدیل شد. سیماسادات لاری گفت: از روز ۲۴ تا ۲۵ مرداد ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، دوهزارو ۲۴۵ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که ۹۴۳ نفر از آنها بستری شدند. بر این اساس مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به ۳۴۱ هزارو ۷۰ نفر رسید. لاری گفت: متأسفانه در این ۲۴ ساعت، ۱۶۱ بیمار کووید۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۹ هزارو ۴۹۲ نفر رسید. به گفته وی، سه‌هزارو ۹۱۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند. وی درباره استان‌های در وضعیت قرمز بیماری گفت: استان‌های مازندران، تهران، قم، گلستان، خراسان شمالی، اردبیل، اصفهان، البرز، خراسان رضوی، کرمان، سمنان، آذربایجان شرقی، مرکزی، یزد و گیلان در وضعیت قرمز قرار دارند.